

بدین قصیده فرستم ترا درود و سلام

رشید یاسمی*

قصیده‌ای از رشید یاسمی تقدیم به تاگور:

کز و بیالد فخر و بدو بنازد نام
که کشور سخن از وی گرفت نظم و قوام
زدوده گشت جهان سخن ز زنگ ظلام
وز او گرفت همه غرب روشنایی وام
که صیت فضلش نهاد اندر آنجا گام
همی رساند جان را از آسمان پیغام
بخاطر اندر آثار روح در اجسام
که نیست آنجا اندیشه از فشار و زحام
هزار خاطر آشفته را کند آرام
به شرق و غرب زمین بر قلوب و بر افهام
زدوده فکر خواص و خموده طبع عوام
که چون تو پور نزاید ز مادر ایام
که در قلمرو سعدی و کشور خیام
شکایت شب هجر است و وصف جام مدام
ز بهر صلح و صفا و ز بهر امن و سلام
نجات یابد از آسیب محنت و آلام

درود باد بر آن شاعر بلند مقام
گزیده شعرا مفخر ادب تاگور
یگانه مهر درخشان شرق کز نورش
چو آفتاب ز آفاق شرق تابان شد
نماند گوشه‌ای اندر همه بسیط زمین
ز گفته‌های دلایز و نکته‌های لطیف
کند پدید ز لفظ بدیع و معنی نغز
معانی اندر لفظش چو عالم ملکوت
ترانه‌های دل‌انگیز او به هر روزی
هنروری که ز سحر کلام چیره شده‌ست
ز رای روشن او بهره می‌برد یکسان
ایا خلاصه ذوق و کمال و دانش شرق
به هیچ جای چنان قدر تو نبشناسند
نه چون دگر شعرا شعرهای دلکش تو
که هرچه گویی پند است و حکمت و اخلاق
ز داروی سخت جان دردمند بشر

* شاعر و استاد برجسته ایرانی.

ترا ز جایزه‌های نوبل^۱ که بگرفتی اگر هزار بگیری هنوز نیست تمام
 نثار شعر ترا شاید از سپهر بلند بیفکند مه و خورشید و زهره و بهرام
 به جشن هفتاد از عمر تو بیایستی که سوی هند از ایران بیستم احرام
 چو راه دور مرا زین طواف دارد باز بدین قصیده فرستم ترا درود و سلام
 به پیری اندر طبیعت جوان و نیرومند دل تو خرم و جان باد مهبط الهام
 دل رشید ز آثار فکر روشن تو
 بسان طبع تو شادان و خرم و پدram

۱. رایبندر نات تاگور در سنه ۱۹۳۱ م جایزه نوبل (Noble Prize) برده است.